



## طرح و برنامه‌های نو در اندازیم

الیاس حضری، مدیرمسئول روزنامه «اعتماد» | بازش بهار، نه تنها طبیعت که روح و حال و هوای ما نیز جان تازه می‌گیرد بسان یک لحظه در رنگ است که به ما می‌گوید سالی گذشته و باید به کارنامه خویش بنگریم و خوب و بدهایش را به سنگ محک بسنجیم و برای آن که سال بهتری از سال از دست رفته داشته باشیم، طرح و برنامه‌های نو در اندازیم. سالی که می‌تواند نوبد بخش روزهای پر از امید برای ما و کشورمان باشد. امیدوارم سال ۹۶ سال خوبی برای مردم ما به ویژه همکاران ما باشد.

# زیر پوست صفحات روزنامه چه خبر است؟



## یزدان مرادی

### چه خبر؟

شاید همه دوست داشته باشند بدانند در تحریریه روزنامه مورد علاقه شان چه می‌گذرد. خبرنگارها چه خلق و خوی دارند، چگونه کار می‌کنند و اتفاقاتی که در تحریریه رخ می‌دهد؟ از «اعتماد» که دو سال مجزا از دوستان مجزا می‌کنند و اتفاقاتی که در تحریریه رخ می‌دهد؟ چه جنسی است، تحریریه رسانه ماندگار نمی‌شوند. آنها سعی می‌کنند، گر ه‌های مختلف، در رسانه ماندگار نمی‌شوند. آنها سعی می‌کنند، چشم وزبان مردم باشند.

## بندانگشتی

شاید همه دوست داشته باشند بدانند در تحریریه روزنامه مورد علاقه شان چه می‌گذرد. خبرنگارها چه خلق و خوی دارند، چگونه کار می‌کنند و اتفاقاتی که در تحریریه رخ می‌دهد؟ از «اعتماد» که دو سال مجزا از دوستان مجزا می‌کنند و اتفاقاتی که در تحریریه رخ می‌دهد؟ چه جنسی است، تحریریه رسانه ماندگار نمی‌شوند. آنها سعی می‌کنند، گر ه‌های مختلف، در رسانه ماندگار نمی‌شوند. آنها سعی می‌کنند، چشم وزبان مردم باشند.

## سردبیر اجواد دلیری

بچه‌های تحریریه سردبیرشان را سه جور صدا می‌زنند: جواد، آقا جواد و آقای دلیری. البته قطعا از این سه مورد بیشتر هم نمی‌توانست باشد. مثلا مگر می‌شود این طوری گفت: «آقای جواد دلیری سلام؟! پس کلابین دو خط اطلاعات چندانی به شما نداد. این در حالی است که در ادامه می‌دهد. روزهای آخر اسفند امسال با شیرینی برای آقا جواد گذشت. پس از یک ماه کار فشرده برای انتشار سالنامه، بچه‌ها و او را غافلگیر کردند و جشن تولدی زود هنگام برایش گرفتند. آقا جواد معمولا عصبانی نمی‌شود اما اگر شد، یکپو اوج می‌گیرد و یکپو هم فروکش می‌کند. همیشه می‌گوید در اتاق همیشه به روی همه باز است. دوست دارد. هر مشکلی با او هست، اول به خودش گفته شود.

## معاونان سردبیر انسرین تخری

ساسان آقایی ساسان از آن دست استقلالی‌هاست که علاقه بسیاری به برانکو دارد. اصلا جانش بساری او در می‌رود. چند بار در گوشم گفته که یزدان، من برانکو رو خیلی دوست دارم، به جان خودم (من...؟) تکدی می‌کنم... صای ساسان بود. حالا کار نداریم، او یکی از دو معاون سردبیر است. بعضی اخلاق‌های او هرگز تغییر نمی‌کند. مثلا وقتی وارد تحریریه می‌شود، عمرا سلام نمی‌کند. صاف در چشم شما خیره می‌شود و بعد، سرش را کج و بعد خودش را کج می‌کند و بعد کلاه کجی می‌رود در اتاقش. لحظاتی بعد بیرون می‌آید و چرخ می‌زند و با پایچه‌ها خوش و بش می‌کند. او یک لیوان دارد که سه چهار برابر لیوان‌های معمولی است. در آن جای می‌ریزد. آنقدر سنگین می‌شود که انگار پارچ باشد. هر از گاهی یک هم‌فعل و اتفاقات درونی در خودش احساس می‌کند که یکپو می‌زند زیر سر او نکن برادر من، نکن، به هر حال بعضی استعدادهای او آدمی وجود ندارد. هر کسی هم که گفته دروغ گفته.

نسرین تخری شاهد نزدیک این ماجراست. در دست رویه‌روی ساسان می‌نشیند. بزرگ همه ما است. مویی در رسانه سپید کرد. وارد تحریریه می‌شود، لیختن به لب دارد. سلام همه را جواب می‌دهد. روزانه هزاران کلمه گزارش‌های

اجتماعی و هنری را می‌خواند. خستگی ناپذیر است. با خود میوه می‌آورد و در یک ظرف می‌ریزد. بچه‌ها هر وقت از اتاقش بیرون می‌آیند، دهان‌شان روزنامه به بحران تبدیل می‌شد.

## رابط تحریریه و فنی / فرشاد حاجی قاسمی

فرشاد علاقه زیادی به دید و بازدید و متعلقات آن دارد. کار او طاق و فراست است و از تایپ نخستین کلمه توسط خبرنگارها شروع می‌شود و تا تایید کل صفحات ادامه می‌یابد. روال کار این است که هر صفحه‌ای پس از آماده شدن، ابتدا به اتاق سردبیر فرستاده می‌شود تا مورد تایید قرار گیرد. پس از آن فردی باید این صفحات را به اتاق مدیریت در طبقه پنجم برود تا پس از تایید، دوباره به سردبیر ارجاع و از آنجا به طبقه سوم (فنی) برده شود و مورد اصلاح نهایی قرار گیرد. مطالب این صفحات نیز قبل از آماده شدن باید توسط همین فرد کد بخورند و به طبقه سوم (حروفچینی) منتقل شوند. این یعنی، حامل این مطالب و صفحات باید دست کم روزانه ۱۷۰ بار به لایه‌های طبقات سوم، چهارم و پنجم راه طی کند تا صفحات و مطالب بین بخش‌های فنی، سردبیری و مدیریت جابه‌جا شود. کارهای اداری ریز و درشت دیگری هم وجود دارد که انجام دانش صبر خاصی می‌طلبد. فرشاد دو سال است که همه این کارها را در «اعتماد» انجام می‌دهد. او خیلی دوست دارد همه با دست هم باشند و به یکدیگر عشق بورزند. به شکلات هم علاقه خاصی دارد.

## صفحه آخر / نازنین متین‌نیا (دبیر)

از آخرین باری که امیر کلهر (خبرنگار) تصمیم گرفت به باشگاه بدنسازی برود، یک سالی می‌گذرد. آن روز، در حالی که به مانی‌تور خالی شده بود، گفت: «بگه تصمیم خودم رو گرفتم، می‌خوام گلدونی ششم!» این عبارت «گلدونی شدن» برای من تازگی داشت. پرسیدم: «یعنی چی که گلدونی شی امیر؟» بادی در غیغب انداخت و انگار که افق‌های پیش رو برایش رنگ و بوی میله هارتل گرفته باشد، گفت: «یعنی هفت (۷) شم، همینجوری که راه می‌روم، همه منجذب من ش، من بشم از نوله، بقیه بشن عاشق» فاصله مان نزدیک بود. می‌خواستم دستم را روی پیشانی‌اش بگذارم تا ببینم تب دارد یا نه اما منصرف شدم. گفتم: «حالا تو خودت تو ناراحت نکن، بعد از عید با هم می‌ریم» اما امیر خودش را ناراحت کرد و دیگر حرفی از باشگاه نزد می‌دادم که چندبازی از جلوی آینه باشگاه رد شده و نگاه به قامت خود انداخته، شاید همین واقعیت‌رک و تلخ او را از گلدونی شدن منصرف کرده و به پرورش گل در گلدان ترغیب کرده. امیر، خبرنگار صفحه آخر است. بیشتر ساعات روز، سکوت را در گلدان می‌کارد و خبر پرورش می‌دهد. نازنین متین‌نیا (دبیر) خوشحال است که او در صفحه آخر قلم می‌زند. نازنین قبلا وقتی وارد تحریریه می‌شد، یک‌های کسندر (hi) به زبان می‌آورد و بعد سر جایش می‌نشست اما حالا کمتر این کار را انجام می‌دهد. او هر پستی که در اینستاگرام خود می‌گذارد در این‌طور تمام می‌کند: «... با تم آهنگ فلان از خواننده فلان» ما هم الان می‌گوییم، این شما و این صفحه آخر «اعتماد» ما هم هر روز آهنگی که دوست دارید.

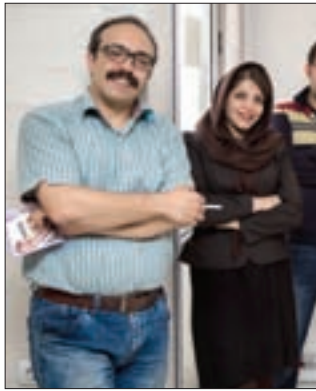
## امیر کلهر

از آخرین باری که امیر کلهر (خبرنگار) تصمیم گرفت به باشگاه بدنسازی برود، یک سالی می‌گذرد. آن روز، در حالی که به مانی‌تور خالی شده بود، گفت: «بگه تصمیم خودم رو گرفتم، می‌خوام گلدونی ششم!» این عبارت «گلدونی شدن» برای من تازگی داشت. پرسیدم: «یعنی چی که گلدونی شی امیر؟» بادی در غیغب انداخت و انگار که افق‌های پیش رو برایش رنگ و بوی میله هارتل گرفته باشد، گفت: «یعنی هفت (۷) شم، همینجوری که راه می‌روم، همه منجذب من ش، من بشم از نوله، بقیه بشن عاشق» فاصله مان نزدیک بود. می‌خواستم دستم را روی پیشانی‌اش بگذارم تا ببینم تب دارد یا نه اما منصرف شدم. گفتم: «حالا تو خودت تو ناراحت نکن، بعد از عید با هم می‌ریم» اما امیر خودش را ناراحت کرد و دیگر حرفی از باشگاه نزد می‌دادم که چندبازی از جلوی آینه باشگاه رد شده و نگاه به قامت خود انداخته، شاید همین واقعیت‌رک و تلخ او را از گلدونی شدن منصرف کرده و به پرورش گل در گلدان ترغیب کرده. امیر، خبرنگار صفحه آخر است. بیشتر ساعات روز، سکوت را در گلدان می‌کارد و خبر پرورش می‌دهد. نازنین متین‌نیا (دبیر) خوشحال است که او در صفحه آخر قلم می‌زند. نازنین قبلا وقتی وارد تحریریه می‌شد، یک‌های کسندر (hi) به زبان می‌آورد و بعد سر جایش می‌نشست اما حالا کمتر این کار را انجام می‌دهد. او هر پستی که در اینستاگرام خود می‌گذارد در این‌طور تمام می‌کند: «... با تم آهنگ فلان از خواننده فلان» ما هم الان می‌گوییم، این شما و این صفحه آخر «اعتماد» ما هم هر روز آهنگی که دوست دارید.

## جامعه و حادثه / ولی خلیلی (دبیر)

غزل حضری، بنفشه سام کیس حمیدرضا خالقی، زهرا چوپانکاره فرزانه قبادی، هدیه کیمیایی

تحولی که در طول یک سال اخیر در این سرویس رخ داده، قطعا یکی از تحولات تاریخ رسانه ایران است. البته به غیر از جدا شدن من (یزدان مرادی) از «اعتماد» که هیچ‌وقت جبران نخواهد شد. تحول



آخر مربوط به بنفشه سام کیس است. او پس از سال‌ها مقاومت، سرانجام به مغازه موبایل‌فروشی رفت و یک عدد گوشی همراه ایتنا کرد. بنفشه یکی از معدود خبرنگارهایی بود که گوشی نداشت. الان وقتی گوشی‌اش زنگ می‌خورد، آدم اول باورش نمی‌شود که آیا این رویداد واقعی است؟ یا مهم و خیالی بیش نیست؟ تحول بعدی از آن غزل حضری است. او امسال به خانه باخته رفت. وقتی تصویر روز عروسی‌اش را در اینستاگرام گذاشت، سبیل پیام‌های تبریک روانه‌اش شد. حرف زدن یا او کلی از کارها را جلوی من اندازد. آدم دلش می‌خواهد مدام برای او خاطره تعریف کند. فرزانه قبادی دیگر خبرنگار جامعه است. دلسوزی‌اش برای دوستان، حد ندارد. می‌توان ساعت‌ها با او حرف زد و خسته نشد. در کنار زهرا چوپانکاره می‌نشیند. اما اخیرا سفری به هند داشته کلی خاطره از سینمای هند دارد. ویژگی بارز او این است که هیچ‌وقت در نوشتن خبر استرس نمی‌گیرد. آسمان و زمین را به هم بریزد، او کارش را می‌کند. حمیدرضا مشهور به خالقی هم خبرنگار دیگر جامعه است. او علاقه زیادی به شورای شهر دارد. یادم هست چند ماه پیش برف شش‌پدی در تهران آمده بود، ماشین‌ها در ترافیک مانده بودند. شهر قفل شده بود. خالقی سری تکان داد و گفت: «... بی خیال اصلا تنها خبرنگار سرویس حادثه هم‌دهه‌هاست. او قابلیت این را دارد که برای تهیه خبر، تا دل ماجرا نیز رخنه کند. مدتی است که درگیر عکس پروفایل تلگرامش شده و هر از چندگاهی آن را تغییر می‌دهد.

## سیاسی / امین‌شید ستوده (دبیر)

رضوانه رضایی پور، ناهید مولوی، زینب صفری

پارسال نوشتیم که یک کاج در این سرویس بود و مهشید ستوده مدام به آن آب می‌داد. نوشتیم که زبان بسته اعتراض هم نمی‌کند. حالا آن کاج سوخته آنقدر که ستوده آن را بست به آب. علقه واقف او به آبپاشی گل و گیاهان را باید یک طوری کنترل کرد در کنار او رضوانه رضایی پور نمی‌نشیند. همان خبرنگاری که با پارسال درباره درصاحب‌ها از رئیس جمهور پرسید. بعضی خنده‌های او، آنقدر ریسوا است که خنده دیگران را هم بلند می‌کند. پای کلمه به دیگری در میان باشد، قطعا نام رضوانه به میان خواهد آمد. ناهید مولوی نیز همچنان در هندفری در گوش نگذارد کار گزارش‌نویسی را شروع نمی‌کند. جدیدترین عضو این سرویس، زینب صفری است. خبرنگار گزارش از «اعتماد» که خوش مشربی صفت بارز اوست. آرام و بی‌صدا اما مهربان.

## دبیرمسئول / اسرار معصومی (دبیر)

اسرار معصومی (دبیر) است. سبک صبور به معنای واقعی و دقیق در کار حرفه‌ای، سبک‌عامومی دبیری جدی است. حساسیتی که او در درج دست‌مطلب دارد بازند خاص و عام است. او به کلمه‌های که به تحریر در

ورزش / علی عالی (دبیر)، وحید جعفری

خوبی با فامیلی خودش حال می‌کند؛ علی عالی را می‌گویم. مثلا شده که بگوید: شب عالی متعالی، یا مثلا صبح عالی متعالی ترا به هر حال هر کسی دنبال سرگرمی خاص خودش است. یک روز که نباشد، یکی از رکن‌های اصلی شادمانی تحریریه می‌لنگد. سر به سر گذاشتن بچه‌ها کار همیشگی اوست. یک روز یواشکی فیلم می‌گیرد می‌گذارد استوری اینستاگرام، یک روز دستی می‌برد در تلگرام شما و خلاصه علی عالی «اعتماد» همیشه متعالی است.

## عکس و طرح / دانیال شایگان (دبیر)

عکس و طرح یابنی کار صدای موسیقی از اتاق عکس و طرح بلند می‌شود و گوش‌ها را می‌نوازد. هر چند بعضی وقت‌ها موسیقی‌اش باب دل نیست و بدجوری روی می‌خورد. بچه‌های عکس، هم پای همه شوخی‌های تحریریه هستند. البته دانیال شایگان بیشتر زیر می‌آید اما صابونوز هم حرکات خاص خودش را دارد. بعضی وقت‌ها علت اینکه چرا اینقدر خوشحال است را نمی‌فهمم، البته ایشالا که همیشه شاد باشد. مهری جمشیدی یک دوچرخه‌سوار حرفه‌ای است. مسیری که او رکاب می‌زند سرالایی ناچوری دارد. عرفان خوشخو که حالا سرپاز شده نیز سنگنورد است. به دل‌ماند یک روز بروم اتاق‌شان ببینم مثلا به جای مسابقات سنگ نوردی، دارد فیلم دیگری تماشا می‌کند. فاطمه جعفری نیز پس از خداحافظی جمال جان رحمتی به سرویس طرح اضافه شده. سر و کارش بیشتر با بچه‌های حادثه است.

## ادب و هنر / زینب کاظم خواه (دبیر)

علی مطلب زاده، ندا آل طیب، الهام نداف بابک احمدی، بهار سرلک

بچه‌های سرویس هنری «اعتماد» بیشتر وقت‌ها در سکوت مشغول نوشتن گزارش از خبر هستند. آنها هر از چندگاهی سرشان را بالا می‌آورند و در بحث‌ها شرکت می‌کنند. یکی از آنها الهام نداف است. سرپاز شده نیز سنگنورد است. به دل‌ماند یک عدد بلیت جشنواره فیلم فجر از او خواستیم. مدعی است هر چه به این در و آن در زد، نتوانست جور کند. حالا ما قبول می‌کنیم. زینب دبیر سرویس است. سعی او و همکارانش اریه مطلب مفید در حوزه هنری است.



## اعتماد آنلاین / عنان زور، مریم جمشیدی بان

هویت مجاری اعتمادند. وقتی وارد اتاق‌شان می‌شود، احساس می‌کنید سرعت‌تان بالا رفته و عنقریب است که تفکرات‌تان در فضای مجازی ابراهیم که بد طولانی در قربانی زورگیری سارق دارد، الان یکسال است که طعمه هیچ سارقی نشده و این بابت شدیدا به خود می‌بالد. او صبح‌ها می‌رود ایستگاه قطعه‌های اید اعتماد و شب‌ها می‌رود خانه. بعضی وقت‌ها فکر می‌کند دیگران به او اصرار کرده‌اند، برای همین خودش را به خانه آنها دعوت می‌کند. به هر حال هر کسی نگاه خودش را به ماجرا دارد. میثم هم که تعریف ندارد. خبرنگاری که دوستی با او شیرین است. آرام و متین. از وقتی ترامپ سسر از ریاست جمهوری در آورده، کمی دنیاپش بر بلاطم شده.

## سیاست‌نامه / عظیم محمود آبادی (دبیر)

عظیم محمود آبادی (دبیر) می‌داند چه اصراری است. تصور کنید جشن تولد یکی از خبرنگارهاست. همه جمع شده‌اند دور فرد مورد نظر، او می‌خواهد شمع‌ها را فوت کند، همه دست می‌زنند، بعضی‌ها سوت می‌کشند، بازار سفی گرفتن هم داغ‌فاست. در این بلبش‌واما یک نفر هست که می‌تواند بی‌اعتنا به همه چیز، سرش را در کتاب بیندازد و تئوری ماکس وبر را بخواند! این فرد کسی نیست جز عظیم محمود آبادی. به هر حال هر کسی اعتقادات خود را دارد. محسن آزموده یکی از خبرنگارهای این سرویس است. او یکی از نخستین افرادی است که صبح‌ها پای در تحریریه می‌گذارد. بسیار اهل مطالعه است و کتاب‌ها را می‌خواند. بسیار اهل مطالعه است و کتاب‌ها را می‌خواند. بسیار اهل مطالعه است و کتاب‌ها را می‌خواند.

که به رصد فضای مجازی بپردازد و مهم‌ترین اخبار را بازنشر دهد. اخیرا دستنی هم بر نرم‌افزارهای مولتی‌مدیا کشیده طوری که می‌توان امیدوار بود که در آینده نزدیک، شاهد تحولاتی در این خصوص هم در «اعتماد» باشیم. صفحات ابتدایی سالنامه «اعتماد» هم که اینفوی رویدادهای مهم سال است، حاصل تلاش‌های اوست.

## صفحه آرایی / هادی طهماسبی (مدیر)

روزهای حسینی، الناز حجاززاده، مهرداد رضایی

صفحه آرایی یکی از مهم‌ترین بخش‌های روزنامه است. مطالبی که به نگارش در آمده و مورد تایید قرار گرفته باید حالا در قالب صفحات جای بگیرند. این کار را بچه‌های صفحه آرایی انجام می‌دهند. مدیرشان هادی طهماسبی است. هر از گاهی که صدای بچه‌های خبرنگار و صفحه آرادر هم می‌آید و می‌شود بازار شام، وارد عمل می‌شود و با هیس گفتن‌های بی‌دری غانله را ختم می‌کند. البته زیاد فایده ندارد. بچه‌های صفحه آرایی خوشرو هستند و معمولا کارشان تا دیروقت طول می‌کشد.

## حروفچینی / حمیدرضا خدابخشی (مدیر)

حسام آرم، سارا سپر هادی، فرانک قنبر پور

استخوانی در این‌ها رخ کرده. کار که گیر می‌کند، آقای خدابخش است که می‌تواند ماجرا را حل و فصل کند. البته بعضی وقت‌ها که سرش شلوغ است نباید دم پرش رفت. حسام آرام این از همکاران اوست. تازگی‌ها بابا شده و چقدر این اتفاق به او می‌آید. یک پرسپولیسی تمام عیار و دو آتشه. سسار اسپر هادی و فرانک قنبر پور نیز دو همکار دیگر حروفچین هستند که نقش مهمی در تلفیق فضا در شرایط خطیر تحریریه و فنی دارند.

## ویراستاری / ایرج رستمی (مدیر)

علی حیدر ذاریانی، نریمان آرابی، رضیه عالی

زهره خیراندیش، نریمان آرابی، علی علم

همه مطالب قبل از سرگرفتن در صفحات، از سوی ویراستارها مطالعه می‌شود تا اگر مشکلی داشت، رفع شود. حجم کار بالاست. ویراستارها روزانه باید حدود ۵۰ هزار کلمه بخوانند. ایرج رستمی (مدیر) این کار را با همیاری و همراهی همکاران خود انجام می‌دهد. بزرگ‌ترین آرزوی‌شان این است که برای یک روز هم که شده، شب نشده کارشان تمام شود اما حیف که تایید در وقت مطالب در مدیریت، این آرزو را برای آنها دست‌یافتنی ساخته.

## انفورماتیک / حمید اکبری

روزنامه‌سر از دستگاه‌های الکترونیکی، سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، رایانه‌ها، پرینترها و وسایل صوتی و تصویری دیگر است که نیاز به نظارت و پشتیبانی همیشگی دارد. این کار را بخش انفورماتیک و فنی «اعتماد» انجام می‌دهد. از رفتن برق ساختمان تا خرابی نرم‌افزارهای سیستم‌ها، همگی موجب می‌شود تا نام آنها را به زبان‌ها بیابرد.

## اداری، مالی / کاظم علیمحمدی

بروناه طهماسبی، زهرا محمودیان

## امیرنظرزاده، محمد احمدی

همیشه به روزهای پایانی ماه که نزدیک می‌شود، کاظم علیمحمدی (مدیر بخش مالی)، برای تحریریه بیشتر از هر کسی جذاب می‌شود. بعضی وقت‌ها شبیه یکی از فیلم‌های چارلی چاپلین می‌شویم و او را شبیه دسته‌های تراول می‌بینیم که باید نقدش کنیم و دست طلبکارها و صاحبخانه بدهیم. آقای علیمحمدی زیاد حرف نمی‌زند، یعنی کلا خیلی مرد آرامی است. همراه او بروناه طهماسبی، زهرا محمودیان، امیرنظرزاده، محمد احمدی نیز در بخش اداری هستند.

## خدمات / مهدی صیاد پور، فرهاد صیاد پور

## وحید سیرانی، محمد جغتایی

یعنی دل‌شان می‌خواهد که این کارهای روزنامه‌مانند وقتی کار تمام شده، بی‌دلیل در روزنامه مانده را بکنند. به خصوص شب‌ها که اینجوری خواب از چشم‌شان برده می‌شود. در روز رفت و آمد از صف‌نظر را ثبت می‌کنند و البته شده که بعضا یک نفر صبح تا شب آمدن روزنامه و این فکر کردند کلابند! البته اشتباه پیش می‌آید دیگر. در روزهای عید هم نگهبانی می‌دهند، خدا قوت، خسته‌نشد.

